



بسمه تعالی

جلسه مادران دبیرستان دوره اول

استاد: حاج آقا بهشتی

از خدا می‌خواهم که این بحث‌مان پسند شما و پس از این جلسه بیاید در دستگاه فکری شما به کار آید. این دعا چی هست و ما در خانه با بچه‌هایمان چه نوع کاری را می‌توانیم انجام بدهیم در این زمینه من با این زبان نیت کردم برای شما بیان کنم بخشی از دعاها که شیعه به خصوص افتخار دارد سرمایه هنگفتی از دعا در اختیار دارد بخش مهمش توصیف خدا هست یعنی ما بالاتر از معرفت خدا چیزی را نداریم هر چه خدا را خوب‌تر بهتر بشناسیم در سعادت ما نقش خواهد داشت اصلاً همین دعایی که در شب‌های قدر خواندیم غالباً مردم ایران چون روستاهای دور دست دعای جوشن را می‌خوانند این اسم‌های خداست خیلی لذت بخش هست من یک وقتی با تا کسی می‌رفتم خیابان انقلاب دیدم صدای دعای جوشن می‌آید ماه رمضان هم نیست از راننده پرسیدم دعای جوشن هست گفت من عاشق این دعا هستم در طول سال همین دعا در ماشین من پخش می‌شود آنها اسم‌های معشوق هست (یا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ لَهُ يَا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ يَا طَيبَ مَنْ لَا طَيبَ لَهُ) ای طیب کسانی که طیب ندارند ای دوست کسانی که دوستی ندارند بخش مهمی از دعا این هست آشنایی با آفریدگار با پروردگار کسی که هستی‌مان هست آغاز ما او هست پایان ما او هست سرکار ما با او هست امام صادق (ع) فرمود تو آخرزمان بخصوص این دعا را زیاد بخوانید (اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ) خدایا خودت را به من بشناسان پس بخشی از دعا این هست خداشناسی بخشی از دعاها نعمت‌های خدا هست آن وقت امامان ما هم خیلی با سلیقه ما می‌توانیم با بچه‌هایمان همین کارها را انجام بدهیم با سلیقه می‌نشستن یا تنهایی یا چند نفری به خدا می‌گفتن خدایا تا حالا به من چی دادین الان مثلاً ما می‌خواهیم نعمت‌ها را بشماریم همین نعمت‌های دم دستی خدایا به من چشم دادی گوش دادی دست دادی پا دادی فکر دادی پدر دادی مادر دادی ستاره دادی ماه دادی خورشید دادی خود آنها اگر با حس همراه باشد همین شمارش خداوند پیغام فرستاد برای موسی ابن عمران ای موسی بندگام را عاشق من کن موسی (ع) به جبرئیل گفت بلد نیستم برو به خدا بگو چطور این کار را بکنم خداوند فرمود راهش این هست نعمت‌هایم را بشمار بندگام عاشق می‌شوند اصلاً یک بازی هست تو خانه‌ها بسیار مرسوم بازی اسم و فامیل حالا یک بازی دیگر رسم کنید هر کسی یک ورق دست بگیرد ببینید چیزهایی که خدا به ما داده اول ببینیم صد تا می‌شود آنهایی که ما بلدیم اگر فک کنیم غیر از این صد تا خدا به ما چی داده من یک سوال می‌پرسم از آقایان خانم‌ها داریم کسی اینجا بچه دو قلو داشته باشد اینجا نداریم بچه‌های دو قلو خیلی ساخته دیگران که می‌شنوند حالا خوشی می‌کنند یا سه قلو، چهار قلو، پنج قلو خوشا به حال‌شان چهار قلو بچه‌های دو قلو مادر یک بچه را دو بار شیر می‌دهد یک بچه گشنه می‌ماند بچه‌ها مریض می‌شوند دوا می‌آورد شکل هم هستند یک بچه را دو بار دوا می‌دهد بدنش یخ می‌کند آن بچه تو آتیش تب می‌سوزد بزرگتر می‌شوند می‌آیند تو کوچه یکی شیطونی می‌کند کتکش را دیگری می‌خورد می‌آیند مدرسه بجای هم امتحان می‌دهند می‌آیند جامعه یکی گواهینامه رانندگی دارد چه دشواری‌هایی دارد حالا اگر سه قلو، چهار قلو، ده قلو، صد قلو، هزار قلو یعنی اگر بچه‌ها مثل آجرهای ساختمان بودند ما چه می‌کردیم مثلاً یکی از نعمت‌های خدا این هست وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ



وَإِخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ هَمِينَ شَكَلَ آدَمَ هَا بَا هَم فَرَق دَارَنَد اَيْن لَهَجَه هَا فَرَق دَارَد گَاهِي مَا يَك بَجَه رَا مِي بِينِيم مِي پَر سِيم شَمَا پَسَر فَلَانِي نِيَسْتِي مِيگَه اَز كَجَا مِيدَانِي مِي گُوِيَد اَيْن آهَنگَك صَدَات مَثَل بَابَات هَسْت بَجَه هَا رَا كَنجَاو كَنِيم بَه شَمَارَش نَعْمَت هَاي خُدا تُو دَعَا هَا يَك دَعَايِي كَه نَعْمَت شَمَارِي خِيَلِي دَرَش مَوْج مِي زَنَد دَعَاي عَرَفَه چَه كِيَفِي مِي كَنَد آدَم مَنْتَهِي مَا دَعَاي عَرَفَه رَا سَالِي يَكْبَار مِي خَوَانِيم هَمِينَ دَعَاي عَرَفَه رَا بِيَايَد بَا بَجَه هَا اَصْلًا هَمَان تَرَجَمَه هَايَش رَا نَگَاه كَنِيَد بَا هَم گَفْتگو كَنِيم مَثَلًا مِي گُوِيَد كَه فَلَان مَوِيرگِي كَه دَر چَشْم هَسْت بَرِيم بِينِيم اَز نَظَر عِلْمِي چِيَه كَه اِمَام حَسِين اِسْم اَيْن مَوِيرگ رَا آوَرَدَه اِگَر نَبَاشَد دَر بِيَنَايِي مَا چَه مَشْكَلِي پِيَش مِي آيَد يَا مَثَلًا مَقْدَار بَزَاق دَهَان هِي چَوْقَت مَا شُكْر خُدا نَكْرَدِيم اَيْن بَزَاق دَهَان هَم دَر هَضْم غِذَا كَمَك مِي كَنَد هَم دَر حَرْف زَدَن مَثَلًا اَيْن يَك مَقْدَارِي كَم بَشُود ۱۰ دَر صَد كَم بَشُود حَالَا اَز كَجَا آَب بِيَاوَرِيم چَنَد تَا شِيَشَه آَب مَعْدَنِي بَخْرِيم كَجَا بَدَارَم خُودَم يَا يَك مَخْرَنِي رُوي سَرَم مَثَلًا كَجَا پِيَج كَنِيم گَارَانْتِي دَارَد يَا نَدَارَد چَقْدَر خَرَج دَارَد اَيْن ۱۰ دَر صَد رَا يَا اِگَر ۱۰ دَر صَد آَب اِضَاَفَه بَشُود بَه بَزَاق دَهَان مَثَلًا اَز دُو طَرَف بَرِيَزَد اِسْتَغْفِرَ اللهُ زَشْتَه حَالَا رُو لِبَاس هَايِم بَرِيَزَد چَه مِي شُود يَك گُونِي دَسْتَمَال كَاغِذِي صَبْح كَه اَز خَانَه مِي آيَم بِيرون بَايَد هَمْرَاه خُودَم كَنَم بَخْشِي اَز دَعَا هَا اَيْن هَسْت چِيَز هَايِي كَه خُدا بَه مَا دَادَه خَوَاهِش مِي كَنَم يَكْبَار دِيگَه هَمِينَ دَعَاي عَرَفَه رَا يَك وَقَت دِيَدِيد حَال دَارِيد رُوزَه دَار هَا مَعْمُولًا بِي حَال هَسْتَنَد بَا بَجَه هَا بَنَشِينِيد مَثَلًا چَهَار، پَنج صَفْحَه دَعَاي عَرَفَه هَم هَمِينَ اِسْم نَعْمَت هَايِي كَه خُدا بَه مَا دَادَه بَعْد هَم اِمَام حَسِين كَه رُو قَلَه هَسْت تُو هَمَان دَعَا مِي گُوِيَد اِگَر مَن وَ هَمَهِي كَسَانِي كَه اَيْن نَعْمَت هَا رَا بَهْشَان دَادِي بَا هَم بَنَشِينِيم بَه كَمَك هَم بَخَوَاهِيم شُكْر يَكِي اَز اَيْن نَعْمَت هَا رَا بَجَا آوَرِيم نَمِي تُوَانِيم مَن تَقْرِيبًا ۵۰ سَال بَا آقَاي قَرَانْتِي كَار مِي كَنَم يَك وَقْتِي زَنگَك تَلْفَن بَه صَدَا دَر آَمَد گَفْت مَن اَز دُوسْتَان آقَاي قَرَانْتِي هَسْتَم وَصَل كَنِيَد مَا دَادِيم گُوشِي رَا حَاج آقَا اَز اِصْفَهَان بَا شَمَا كَار دَارَنَد اِيْشَان گَفْت اَيْن رَفِيْق مَان هَسْت دَر اِصْفَهَان چَنَد مَاهِي هَسْت خَبَر نَدَارَم اَز شَمَا آقَاي فَلَانِي اِيْشَان گَفْت مَن مَرِيضَم گَفْت چِي شُدَه گَفْت فَنر پَلَك چَشْم خَرَاب شُدَه يَعْنِي چَشْم مِي بِيْنَد اَيْن پَلَك خَرَاب شُدَه يَعْنِي بَايَد بَا دَسْت اَيْن پَلَك رَا نَگَه دَاشْت بِي خَشِيد مَن نِيم سَاعَت دِير آَمَدَم يَك كَامِيُونِي آَمَدَه بُوَد جَلُوي مَاشِين مَا تُوِي مَسْجَدِي ظَهْرَا تَفْسِير مِي كَرَد آقَا آَمَدِيم سَوَار بَشِيم سَر سَاعَت ۲ اَنجَا بَر سِيم دِيَدِيم يَك كَامِيُون دَارُو پِشْت مَاشِين مَا هَسْت هَر چِي اَيْن حَالَت پَرِيْشَانِي مِي بِيْنَد نِيَسْت نِيَا مَدَه اَيْن بِي اِنصَاف پَنج دَقِيْقَه، دَه دَقِيْقَه، يَك رِبْع نِيَا مَدَه دِلُو اِپَس مَلت اَنجَا مَن تَظَنْرَنَد وَقَت مَرْدَم نِيَا مَدَه پَلَك چَشْم خَرَاب شُدَه بَعْد گَفْت آقَاي قَرَانْتِي مَن ۷۰ سَالَم هَسْت حَاضِرَم هَر چِي پُول جَمْع كَرْدَم مَغَازَه وَ دَارَايِي بُورَس هَمَه رَا بَدَهَم يَك جَفْت پَلَك بَغِيرَم كَه بَطُور اَتُومَاتِيك اِيْنكَار رَا بَكْنَد دَعَا اَيْن هَسْت اَوَّل شَمَارَش صَفَات خُدا دُوم شَمَارَش نَعْمَت هَاي خُدا، خُدايَا بَه مَن چِي دَادِي مَثَلًا مَا گَاهِي وَقَت هَا يَكِي اَز اَيْن دَنْدَان هَا خَرَاب مِي شُود دَر د مِي گِيرَد دَر دَنْدَان هَم خِيَلِي طَاقَت فَر سَا هَسْت چَنَد تَا دَنْدَان خُدا بَه مَا دَادَه ۳۲ تَا شَاكِي مِي شُويَم خُدا دَنْدَانَم دَر د مِي كَنَد خَب ۳۱ تَا سَالَم هَسْت شُكْر نَمِي كَنِيم بَرَا اَن يَكِي كَه اَلان خَرَاب شُدَه مِي رُويَم دَنْدَان پَر زَشْكِي دِير رَسِيدِيم نُوبَت نَمِي دَهَد بَعْد اِگَر نُوبَت بَاشَد مِي گُوِيَد كَه يَك حَسَاب كِتَاب مِي كَنَد مِي گُوِيَد فَعْلًا ۶۰۰ هَزَار تُو مَن اَيْنجَا بَه حَسَاب بَرِيَز كَارَت مَا هَم ۵۵۰ هَزَار تُو مَن بِيْشْتَر نَدَارَد يَك دَنْدَان خَرَاب شُدَه يَك پَلَك خَرَاب شُدَه اَيْن دَفْعَه بَزَرگِي خُدا رَا تُو اَيْن وَقَايِع يَا مَثَلًا مِي گُوِيَد دَر قَلَب خَرَاب شُدَه قَلَب مَا مَثَل اَيْنكَه چَنَد تَا دَر دَارَد مِي رُويَد دَكْتَر اَن هَم چَنَد تَا آَزْمَايِش اَيْن حَرْف هَا مِي بِيْنِيد يَك جَفْت دَر بَايَد بَخْرِيد بِيَا رِيد دَر اَز كَجَا چَنَد هَسْت دَر فَرَق مِي كَنَد كَرَه اِي هَسْت چِينِي هَسْت آَلْمَانِي هَسْت يَك جَفْت دَر چَنَد مِي شُود يَك مَعْلَمِي نَزْدِيك خَانَه مَا اَهْل مَسْجَد يَك وَقْتِي تُو



خیابان دیدمش تمام چهره او را غم گرفته گفتم چته آقای فلانی گفت دکتر گفته کلیه‌ها ت خراب شده باید بروی کلیه بخری رفتم بازار کلیه فروش‌ها آقا چنده کلیه یک جفت نه یک کلیه ۱۳۰ میلیون دوتاش ۲۶۰ میلیون بعضی‌ها شوخی یا جدی می‌گوید به فکر افتاده کلیه‌هایش را بفروشد به فکر نمی‌افتد دست به سوی آسمان دراز کند بخشی از دعا این هست ۳- بخشی از دعاهاش شمارش خطرهایست یک خطرهایی هست که ما را تهدید می‌کند تو دعا امام حسین، امام علی، فاطمه زهرا این یاد داده به ما برای اینکه از این خطر‌هایی پیدا کنی به خدا پناه ببری آن هم زورش زیاده هم پولش زیاده خدا کلمه که تو دعا هست این کلمه است اَعُوذُوا یعنی پناه می‌برم یا نَعُوذُوا پناه می‌بریم یا اِسْتَعِيذُوا از همین واژه هست یک وقتی آقای قرائتی به من گفت برو همه‌ی دعاها را بخوان این اَعُوذُوا‌ها را بین امامان ما چند تا خطر را اسم بردند خدایا به تو پناه می‌برم مثلاً تو قرآن ۵ تا سوره هست که پیامبر به ما فرموده صبح‌ها که از خانه بیرون می‌آیید و شب‌ها که به بستر خواب می‌روید این ۵ تا سوره را بخوانید ۴ تا را صبح‌ها ما می‌خوانیم فَكْ كُنْ شَمَا هَم می‌خوانید با قُل شروع می‌شود تو ماشین‌ها آویزان هست تو خانه‌ها هم با خط نستعلیق مثلاً یا هدیه دادن (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) این دو تا یک اسم دارد بهش می‌گویند موعوضتین یعنی سوره‌های پناه بردن از خطر یک سوره پنجم هم هست که ما آن را نمی‌خوانیم سوره جنه اندازه همان ۴ تا سوره هست سوره نصر نمی‌رسیم بگویم چرا این ۵ تا سوره ولی سوره نصرش برای امید هست إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ مُسْلِمَانِهَا مَعْمُولاً تحت هجوم بودند گاهی می‌رسیدند به ناامیدی مطلق آقا دیگه درست نمی‌شود می‌گوید هر روز سوره نصر را بخوان یعنی امید داشته باش هر روز به یکتایی خدا فکر کن هر روز یک حرفی با دشمن بزن (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ) دو تا سوره‌ام مال پناه بردن هست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ در یک سوره یک صفت خدا را می‌گوییم از چند خطر پناه می‌بریم در یک سوره چند صفت خدا را می‌گوییم یک خطر پناه می‌بریم (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) یک اسم خدا هست فلق یعنی آفریدگار شکافنده چون در اثر شکاف یک گیاه تولید می‌شود یا یک انسان تولید می‌شود یا یک پرنده تولید می‌شود از نظر علمی یک شکافی صورت می‌گیرد در آن ذره کوچیک تا یک موجود جدید بوجود بیاید بگو پناه می‌برم به آفریدگار از چی من شر ما خَلَقَ از شر مخلوقات خدا که شر ندارد شرها همش برای مخلوقات هست (مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ) و از شر آن کسی که در تاریکی می‌خواهد به من آسیب برساند بیشتر جرم‌ها در جهان در شب صورت می‌گیرد مثل سرقت، مثل تجاوز (وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ)، عقد جمع عقد، عقد یعنی گره از شر کسی که بخواد گره‌ها را باز کند مثلاً یک زن و شوهری عقدشان خوانده شده یک کسی می‌خواهد رابطه آن‌ها را بهم بزند می‌آید پیش خانوم از شوهر بدگویی می‌کند می‌آید پیش شوهر از همسرش بدگویی می‌کند این هم شوهر تو داری حقوقش که زیر ده تومن هست اخلاق هم که ندارد قیافه‌ام که ۱۱، ۱۲ می‌خواهی چه کنی شوهر را النفاثات یعنی کسانی که می‌خواهند بین زن و شوهر را بهم بزنند بیشتر تو آقایان هستند یا خانوم‌ها اره خانوم‌ها النفاثات مال خانوم‌ها هست متاسفانه اینطوری هست (وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ) از شر حسودی که حسادتش گل می‌کند حسادت هم یک مرضی هست که تو همه‌ی شغل‌ها هست تو همه سنین هست تو همه‌ی جنسیت‌ها هست پدر در میاد حسادت یعنی نمی‌تواند خوشبختی ما را ببیند کمال ما را ببیند پیشرفت ما را ببیند چون نمی‌تواند اولش تو دلش هست که آرزو می‌کند ما بدبخت بشویم بعد هم به گفت می‌آورد بعدم در عمل اقداماتی می‌کند که ما از آن موفقیت فاصله بگیریم خب ما چه بکنیم خدا می‌گوید بیا من خودم کمکت می‌کنم یک



سوره دیگر (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِکِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ) سه تا اسم خدا هست با یک خطر معلوم این خطر خیلی باید آسیب رسان باشد چی هست خطر (مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ) یعنی از شر وسوسه گر، وسوسه یجایی طلای زیادی باشد زرگرها وقتی بخوانند دکان را ببندند همه ی طلاها را برمی دارند می گذارند تو آن گاو صندوق اما وقتی که دارند برمی دارند یک صدای سحر آمیزی به گوش می رسد عرب به آن صدا می گوید وسواس این که مال لغت هست بطور کلی فکریایی را که ما را به بدی تحریک می کند این اسمش هست وسواس پناه می برم از شر افکار ناجور خناس هم یعنی هی می رود و برمی گردد خدایا کمکم کن این کیه آمده پیشنهاد می دهد دوباره از یک راه دیگر می آید خناس یعنی این دو جرم هست (مِنْ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ) حالا این مال قرآن هست در قرآن زیاد هست حتی می خواهیم قرآن بخوانیم وسوسه گر می آید کنارت قرآن می گوید (فَاِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِیْمِ) بخشی از دعاها شمارش خطرها هست آقای قرائتی به من گفت ۴۰ سال قبل برو این دعاها را بخوان بین پیامبر و امامان از چه خطراتی به ما یاد دادند ما پناه ببریم الان همین کار را شما به بچه هایتان بدهید منتهی من در یک دایره وسیع اینکار را کردم مثلاً شما به بچه هایتان بگویید این دعا را بخوان بین اسم چند تا خطر آمده ممکن هست دو تا یا سه تا باشد کمک کنیم یعنی یک کاری که پدر و مادر را بچه ها دانش آموزان برای موضوع دعا می توانند بکنند می تواند این کار باشد خطرات مثلاً یک کتابی از امام چهارم بنام صحیفه سجادیه چند تا دعا تو این کتاب هست دعای هشتم این کتاب این هست دعا الاستعاذه یعنی دعای پناه بردن از خطرهای چهل و چهار تا خطر تو این دعا هست یک صفحه ام بیشتر نیست ولی خود همین که ما متوجه خطر می شویم چون گاهی وقت ها بی خیال هستیم مثلاً این کرونا مثال خوبی هست کرونا که آمد اول خیلی ها بی خیال بودن بعد دیدیم نه تلویزیون آمار اعلام می کند امروز ۱۸ نفر فردا ۳۸ نفر پس فردا ۶۴ نفر پس اون فردا ۲۰۰ نفر نه بزیم ماسک را مثل اینکه باید دست هایمان را که از خونه بیرون می آیم یک خطر هست جان مرا جان عزیزان من را هدف گرفته بخشی از دعاها چون وقتی ما می گوئیم دعا زود به ذهن شماها می رسد خواسته ها نه خواسته ها را هنوز نگفتیم ما دعا یعنی شمارش اسم های معشوق، محبوب خدای من این هست لذت بخش هست. ۲- شمارش نعمت هایی که به من داده. ۳- شمارش خطرهایی که مرا تهدید می کند و خدای مهربان می تواند دست گیر من باشد می گوید من دوست دارم من هم دانا هستم هم توانا منتهی بیا مشکل را با من در میان بگذار قول دو تا سوره قول اولش هست بگو همین را تو همین گفتن تأثیراتی هست پس دعای هشتم صحیفه دعا الاستعاذه یعنی دعای کمک خواستن از خدا پناه بردن به خدا (اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ) خدایا به تو پناه می برم (مِنْ هَيْجَانِ الْحِرْصِ) حرص می دانی یعنی چی بیش از نیاز ما باید این کتابی حرف زدن با بچه ها پرهیز کنیم خوششان نمی آید این مثل خواندن رساله هم همینطور هست متأسفانه این رساله های عملی مراجع مثل قانون مدنی می ماند حقوق دانها چون پول توش هست حفظ می کنند و کلاً مثلاً می آید و کیل شما می شود رساله هم ادبیاتش عاطفی نیست ای کاش این رساله نویس ها مراجع تقلید که نمی رسند یک کسانی دیگه می آیند ادبیات این رساله را به جوری می کردند خوشش بیاید بخواند (مِنْ هَيْجَانِ الْحِرْصِ ، وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ) دومین خطری که امام فرمودند یعنی حمله خشم من چند وقت توی تالاری با یک جمعیت زیاد می خواستم صحبت بکنم یک اتاقی بود که سخنرانها آنجا بهش یک چایی می دهند دیدم یک برادر روحانی آنجا نشسته منم نمی شناختم سلام کردیم گفت می دانی من کیم گفتم نه بخدا گفت من قاضی ام بعد تا نوبت من بشود پنج دقیقه با من حرف زد گفت آقا سید تو سخنرانی هایت راجع



به خشم زیاد صحبت کن دولتی‌ها رویشان نمی‌شود که بگویند سالی چند نفر بخاطر خشم به قتل می‌رسند حتی اعضای خانواده پسر به دست پدر، پدر به دست پسر بخاطر یک خشم یک مسئله جزئی پیش آمده اول داد می‌زند بعد شیشه می‌شکند بعد می‌رود آشپزخانه از آن چاقوهایی که گوشت بخوانند باهاش ببرند خب این خطر هست دوایش چی هست امروزی‌ها روانشناسان می‌گویند مدیریت خشم از پیغمبر پرسید یا رسول الله برای خشم نسخه شما چی هست از امام رضا پرسید خب نسخه‌هایی که امامان به ما گفتند، گفتند چه کنیم آب بخوریم، جایمان را عوض کنیم مثلاً حالت‌مان را نشستیم یا ذکر بگوییم ذکر (لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) باز هم راهکار هست الان چند تا چون گونده‌ها زیاد گفتن تو همین دعاها هست خطرهای بخشی از دعا این است چیزهایی که دنیای ما را خراب می‌کنند آخرت ما را خراب می‌کنند خانواده ما را متلاشی می‌کنند آنها را رهبران‌مان تو قالب همین دعاها به ما یاد دادند من تو آن تحقیقی که آقای قرائتی به من سفارش داد سیصد و شصت خطر پیدا کردم چقدر ما محاصره شدیم با خطرهای چقدر دستکم می‌گیریم یک بخشی از دعاها خواسته‌هاست دعا چیست و ما با بچه‌ها راجع به دعا چه فعالیتی می‌توانیم تو خانه بکنیم دعا شمارش نامه‌های خدای مهربان هست مثلاً یک دعایی حضرت علی (ع) صبح‌ها می‌خوانده اسمش هست دعای صباح این زیباگویی‌های طبیعت هست مثل خورشید، ماه، روز و شب صبح‌ها که بیدار می‌شوید آنها را بشمارد بچه‌هایمان را بیاوریم تو این فازها پس دوم نعمت‌های خدا سوم خطرهایی که ما را تهدید می‌کند چهارم خواسته‌هایی که دارین خدایا خیلی چیزی می‌خواهم ازت تو قرآن چیزهایی که پیامبران بیشتر از خدا خواستند صد و هفتاد تا چیز هست تو دعاها هم پیامبر از روی مهری که به ما داشته امام حسین، امام صادق، امام هادی، امام زمان به ما یاد دادند این را از خدا بخواهید اصلاً بیست تا چیز هست تو این بیست تا یکی خیلی مهم هست این را از خدا بخواهید مثلاً از ما پرسند چی از خدا می‌خواهی برویم تو دل آدم‌ها آن که برایش گریه می‌کند می‌گوید خدایا مریض‌ام خدایا بچه‌ام الان از سن ازدواجش گذشته یک عمر بچه دیگرم با همسرش دعوا دارند خدایا آخر و عاقبت بچه‌هایم را می‌خواهم نمی‌دانیم بسته به معرفت آدم‌هاست امام حسن مجتبی فرمود دعا نشانه بلندی اندیشه انسان‌ها است هر چی خواسته‌ها حساب شده‌تر معلوم هست این نفر از اندیشه بالاتری هست بگردیم پیدا کنیم پر از این دعاها از خواسته‌های درجه یک که ما ازش غافل هستیم یک مقداری ترجمه من در ماه رمضان امسال صدمین سال تولد کتاب مفاتیح هست صد سال که این کتاب منتشر شده من سی تا برنامه ۵ دقیقه‌ای برای شبکه قرآن ضبط کردم اسم برنامه کلیدهای بهشت من این کتاب پر صفحه را تبدیل کردم به سی تا ۵ دقیقه از اول تا آخر مفاتیح را گزارش کردم شاید من توانسته باشم تو آن برنامه شما و فرزندان‌تان را به پدیده دعا علاقه‌مند کنم. خدایا آینده ما و بچه‌هایمان را خوش‌تر از حال و گذشته تقدیر بفرما.

پایان